



زیارت غدیره امام هادی علیه السلام

حدیث غدیر یکی از استوارترین دلیل امامت علی بن ابی طالب علیه السلام به شمار می‌رود. تبیین و شفاف سازی امامت امیر مؤمنان علیه السلام بر پایه حدیث غدیر، دغدغه همیشگی ائمه علیهم السلام بود و با شیوه‌های گوناگون از آن بهره می‌گرفتند. گاهی بوسیله حدیث غدیر در مقابل مخالفان احتجاج می‌کردند. مواقعی شرح ماجرای غدیر می‌دادند و حتی در ادعیه و زیارات نیز آن را به یادگار می‌گذاشتند.

غدیره امام هادی علیه السلام نمونه‌ای از اینهاست. هادی اُمت علیه السلام هجدهم ذی الحجه را فرصت مناسبی برای طرح دوباره حدیث غدیر می‌داند به همین جهت در این روز امیر مؤمنان علیه السلام را زیارت می‌کند و حقائق فراوان از جمله، ماجرای غدیر را بازگو می‌کند.

این زیارت اولین بار توسط محمد بن جعفر مشهدی در کتاب «المزار» به ثبت رسید و محدثان بعدی، تماماً از او نقل کردند.

محتوای زیارت غدیره

۱. آیات قرآن کریم در زیارت غدیره:

طبق شمارش موجود، ۳۲ آیه شریفه در زیارت غدیره آمده است که بر محور بیان فضایل امیرالمؤمنین (علیه السلام) است؛ از جمله آیه ليله المبيت، آیه ابلاغ و آیه ولایت. علاوه بر آن، به ۴ آیه شریف نیز اشاره شده است.

۲. فضایل حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در زیارت غدیره:

بخشی از زیارت غدیره شریف به بیان فضایل حضرت امیر (علیه السلام) اختصاص دارد. حدود ۲۰۶ فضیلت حضرت در این زیارت آمده است.

۳. بخش هایی از تاریخ در زیارت غدیره امام هادی (علیه السلام):

این زیارت، حاوی مطالبی از تاریخ ولایت است؛ از جمله: حدیث غدیر، غصب فدک، جنگ بدر، احزاب، أحد، نزول «لاسیف الا ذوالفقار و لا فتی الا علی»، جنگ خنین، صفین، جمل، نهروان، شهادت جناب عمّار، شهادت حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام)، بیزاری از دشمنان ولایت و قاتلان حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) و در آخر زیارت، بیزاری از منکران ولایت و قاتلان حضرت سید الشهداء (علیه السلام).

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

السَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ

سلام بر محمد رسول خدا، خاتم پیامبران

وَ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَ صَفْوَةِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

و سرور رسولان و برگزیده پروردگار جهانیان

أَمِينِ اللَّهِ عَلَى وَحْيِهِ وَ عَزَائِمِ أَمْرِهِ

امین خدا بر وحی و دستورات قطعی الهی

وَ الْخَاتَمِ لِمَا سَبَقَ وَ الْفَاتِحِ لِمَا اسْتَقْبَلَ

و ختم کننده آنچه گذشته و گشاینده آنچه خواهد آمد

وَ الْمُهَيَّمِينَ عَلَى ذَلِكَ كُلِّهِ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ وَ صَلَوَاتُهُ وَ تَحِيَّاتُهُ.

و چیره بر همه اینها و رحمت و برکات و درودها و تحیات خدا بر او باد.

السَّلَامُ عَلَى أَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ رُسُلِهِ

سلام بر پیامبران خدا و رسولانش

وَ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِينَ وَ عِبَادِهِ الصَّالِحِينَ.

و فرشتگان مقرب و بندگان شایسته اش.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ

سلام بر تو ای امیرمؤمنان و سرور جانشینان

وَ وَارِثَ عِلْمِ النَّبِيِّينَ وَ وَلِيَّ رَبِّ الْعَالَمِينَ

و وارث دانش پیامبران و ولی پروردگار جهانیان

وَ مَوْلَايَ وَ مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ.

و مولای من و مولای مؤمنان، و رحمت و برکات خدا بر او باد.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ

سلام بر تو ای مولای من ای امیرمؤمنان

يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ وَ سَفِيرَهُ فِي خَلْقِهِ

ای امین خدا بر روی زمینش و سفیر او در خلقش

وَ حُجَّتَهُ الْبَالِغَةَ عَلَى عِبَادِهِ.

و حجت رسایش بر بندگان.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دِينَ اللَّهِ الْقَوِيمَ وَ صِرَاطَهُ الْمُسْتَقِيمَ.

سلام بر تو ای دین معتدل خدا، و راه راستش.

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ الْعَظِيمُ الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ وَ عَنْهُ يُسْأَلُونَ

سلام بر تو ای خبر بزرگی که آنها در آن اختلاف کردند و از آن بازخواست شوند.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ آمَنْتَ بِاللَّهِ وَ هُمْ مُشْرِكُونَ

سلام بر تو ای امیرمؤمنان، به خدا ایمان آوردی، در حالی که همه شرک می‌ورزیدند

وَ صَدَقْتَ بِالْحَقِّ وَ هُمْ مُكَذِّبُونَ

و حق را تصدیق گفتی وقتی که آنان تکذیب می‌نمودند

وَ جَاهَدْتَ [فِي اللَّهِ] وَ هُمْ مُخْجَمُونَ [مُجْمَحُونَ]

و جهاد کردی و آنان از جهاد عقب نشینی می‌کردند

وَ عَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصاً لَهُ الدِّينَ

خدا را عبادت کردی، در حالی که خالص نمودی برای او دین را

صَابِرًا مُحْتَسِبًا حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ

صبر کردی و به حساب خدا گذاشتی، تا مرگ تو را در رسید

أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ.

آگاه باشید لعنت خدا بر ستمکاران.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْمُسْلِمِينَ وَ يَعْشُوبَ الْمُؤْمِنِينَ

سلام بر تو ای آقای مسلمانان و رئیس دین

وَ إِمَامَ الْمُتَّقِينَ وَ قَائِدَ الْعُرِّ الْمُحَجَّلِينَ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ

و پیشوای اهل تقوا و مقتدای سپیدرویان و رحمت و برکات خدا بر تو باد

أَشْهَدُ أَنَّكَ أَحُو رَسُولِ اللَّهِ وَ وَصِيُّهُ وَ وَارِثُ عِلْمِهِ

شهادت می دهم که تویی برادر رسول خدا، جانشین و وارث علمش

وَ أَمِينُهُ عَلَى شَرْعِهِ وَ خَلِيفَتُهُ فِي أُمَّتِهِ،

و امین او بر قانونش و جانشین او در امتش

وَ أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ صَدَّقَ بِمَا أَنْزَلَ عَلَى نَبِيِّهِ

و اول کسی که به خدا ایمان آورد، و آنچه را بر پیامبرش نازل شده بود

تصدیق کرد

وَ أَشْهَدُ أَنَّهُ قَدْ بَلَغَ عَنِ اللَّهِ مَا أَنْزَلَهُ فِيكَ

و شهادت می دهم که آن حضرت همه آنچه را خدا درباره تو نازل کرد به مردم

رساند

فَصَدَعَ بِأَمْرِهِ وَ أَوْجَبَ عَلَى أُمَّتِهِ فَرَضَ طَاعَتِكَ وَ وِلَايَتِكَ

و امر خدا را درباره تو با صدای بلند اعلام کرد و بر امتش حتمی بودن طاعت

و ولایتت را واجب نمود

وَ عَقَدَ عَلَيْهِمُ الْبَيْعَةَ لَكَ

و بیعت تو را بر عهده آنان نهاد

وَ جَعَلَكَ أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ

و حضرتت را نسبت به مؤمنان سزاوارتر از خودشان قرار داد

كَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ كَذَلِكَ

چنان که خدا خود او را این چنین قرار داد

ثُمَّ أَشْهَدَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِمْ فَقَالَ

سپس پیامبر اسلام خدا را بر مردم شاهد گرفت و فرمود:

أَلَسْتُ قَدْ بَلَّغْتُ.

آیا من آن نیستم که رساندم.

فَقَالُوا اللَّهُمَّ بَلَى.

همه گفتند: به خدا آری.

فَقَالَ اللَّهُمَّ اشْهَدْ وَ كَفَى بِكَ شَهِيداً وَ حَاكِماً بَيْنَ الْعِبَادِ

پس فرمود: خدایا گواه باش و تو برای گواهی و حاکمیت بین بندگان کفایت می کنی.

فَلَعَنَ اللَّهُ جَا حِدَ وَ لَآئِتِكَ بَعْدَ الْإِقْرَارِ

پس خدا لعنت کند منکر ولایتت را بعد از اقرار

وَ نَاكِثَ عَهْدِكَ بَعْدَ الْمِيثَاقِ

و شکننده پیمانت را پس از پیمان بستن

وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ وَفَيْتَ بِعَهْدِ اللَّهِ تَعَالَى

و شهادت می دهم که تو به عهد خدای تعالی وفا کردی

وَ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى مُوفٍ لَكَ بِعَهْدِهِ

و خدای تعالی وفا کننده به عهد خویش برای توست

وَ مَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا

و هرکس به آن پیمانی که با خدا بسته وفا کند، خدا پاداش بزرگی به او خواهد داد

وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ الْحَقُّ الَّذِي نَطَقَ بِوَلَائِكَ التَّنْزِيلُ

و شهادت می دهم که تویی امیرمؤمنان آن حقی که قرآن به ولایتت گویا شد

وَ أَخَذَ لَكَ الْعَهْدَ عَلَى الْأُمَّةِ بِذَلِكَ الرَّسُولِ

و رسول خدا در این زمینه برای تو از امت پیمان گرفت

وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ وَ عَمَّكَ وَ أَخَاكَ الَّذِينَ تَاجَرْتُمْ اللَّهَ بِنُفُوسِكُمْ

و شهادت می دهم که تو و عمو و برادرت کسانی هستید که با خدا با جان هایتان معامله کردید

فَأَنْزَلَ اللَّهُ فِيكُمْ

پس خدا این آیه را در حق شما نازل کرد:

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَ أَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ

به درستی که خدا از مؤمنان خرید جانها و اموالشان را، که در عوض بهشت برای آنان باشد

يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَ يُقْتَلُونَ

و در راه خدا پیکار می کنند، پس می کشند و کشته می شوند

وَ وَعَدَا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ الْقُرْآنِ

و عده ای است بر او، محقق شده در تورات و انجیل و قرآن

وَ مَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ

و کیست که به عهد خود وفادارتر از خدا باشد

فَاسْتَبَشِرُوا بِنَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ

پس شادی کنید به معامله ای که انجام دادید

وَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

و این است آن رستگاری بزرگ

التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ

آنانند توبه کنندگان، عبادت کنندگان، روزه گیران، رکوع کنندگان، سجودکنندگان

الْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ

امرکنندگان به معروف، نهی کنندگان از منکر

وَ الْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَ بَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ

و نگهبانان حدود خدا، و به مؤمنان بشارت ده

أَشْهَدُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَنَّ الشَّاكَّ فِيكَ مَا آمَنَ بِالرَّسُولِ الْأَمِينِ

شهادت می دهم ای امیرمؤمنان که شك کننده درباره تو به رسول امین ایمان
نیاورده

وَ أَنَّ الْعَادِلَ بِكَ غَيْرَكَ عَائِدٌ [عَادِلٌ] عَنِ الدِّينِ

و اینکه روی گرداننده از ولایت تو به ولایت غیر، معاندانه روی گردان از دین است

الْقَوْمِ الَّذِي ارْتَضَاهُ لَنَا رَبُّ الْعَالَمِينَ

دین میانه ای که پروردگار جهانیان برای ما پسندیده

وَ أَكْمَلَهُ بِوِلَايَتِكَ يَوْمَ الْغَدِيرِ

و آن را روز غدیر به ولایت تو کامل نموده است

وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ الْمَعْنِيُّ بِقَوْلِ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ

و گواهی می دهم که در این گفته خدای عزیز رحیم، مقصود تویی:

وَ أَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَ لَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ

به حقیقت این است راه راست من، از آن پیروی کنید و راههای دیگر را
پیروی ننمایید

فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ضَلَّ وَ اللَّهُ

که شما را از راه او پراکنده کند، به خدا سوگند گمراه شد

وَ أَضَلَّ مَنْ اتَّبَعَ سِوَاكَ وَ عِنْدَ عَنِ الْحَقِّ مَنْ عَادَاكَ.

و گمراه کرد کسی که از غیر تو پیروی نمود و کسی که تو را دشمن داشت،
ستیزه ورزان از حق روی گرداند.

اللَّهُمَّ سَمِعْنَا لِأَمْرِكَ وَ أَطَعْنَا وَ اتَّبَعْنَا صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ

خدایا امرت را شنیدیم و اطاعت کردیم و راه راست تو را پیروی نمودیم

فَاهْدِنَا رَبَّنَا وَ لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا إِلَى طَاعَتِكَ

پروردگارا ما را هدایت کن و بعد از اینکه ما را به طاعتت هدایت کردی دل
هایمان را منحرف مساز

وَ اجْعَلْنَا مِنَ الشَّاكِرِينَ لِأَنْعَمِكَ

و ما را از سپاسگزاران نعمتهایت قرار ده

وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ لَمْ تَزَلْ لِلْهَوَى مُخَالِفاً وَ لِلتَّقَى مُخَالِفاً

و شهادت می دهم که تو پیوسته با هوای نفس مخالف و با پرهیزکاری هم پیمان

وَ عَلَى كَظْمِ الْغَيْظِ قَادِراً وَ عَنِ النَّاسِ عَافِياً غَافِراً

و به فرو خوردن خشم توانا و گذشت کننده از مردم و آمرزنده آنان بودی

وَ إِذَا عُصِيَ اللَّهُ سَاخِطاً

و زمانی که خدا معصیت می شود خشمناک

وَ إِذَا أُطِيعَ اللَّهُ رَاضِياً

و هنگامی که اطاعت می شود خشنودی

وَ بِمَا عَاهَدَ إِلَيْكَ عَامِلاً

و به آنچه خدا با تو پیمان بسته بود عامل بودی

رَاعِياً لِمَا اسْتَحْفِظْتَ حَافِظاً

و آنچه نگهداری اش از تو خواسته شده بود رعایت نمودی و آنچه به تو

سپرده شده بود حفظ کردی

لِمَا اسْتُودِعْتَ مُبَلَّغاً مَا حُمِّلْتَ مُنْتَظِراً مَا وَعَدْتَ

و آنچه از حق بر عهده ات نهاده شده بود رساندی، و آنچه را به آن وعده داده

شدی به انتظار نشستی

وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ مَا اتَّقَيْتَ ضَارِعاً

و شهادت می دهم که از روی زبونی محافظه کاری نکردی

وَ لَا أُمْسَكْتَ عَنْ حَقِّكَ جَارِعاً

و در اثر بی تابی و عجز از گرفتن حقت باز نایستادی

وَ لَا أُحْجَمْتُ عَنْ مُجَاهَدَةِ غَاصِبِكَ [عَاصِيكَ] نَاكِلاً

و به خاطر ترس و وحشت، از پیکار با غاصبان ولایتت قدم به عقب نگذاشتی

وَ لَا أَظْهَرْتَ الرِّضَى بِخِلَافِ مَا يُرِضِي اللَّهَ مُدَاهِناً

و به علت سستی بر خلاف آنچه خدا را خشنود می کند اظهار خشنودی ننموده

وَ لَا وَهَنْتَ لِمَا أَصَابَكَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ،

و برای آنچه در راه خدا به تو در رسیده سست نشدی

وَ لَا ضَعُفْتَ وَ لَا اسْتَكْنَتَ عَنْ طَلَبِ حَقِّكَ مُرَاقِباً

و به خاطر ترس و زبونی از خواستن حقت ناتوان و درمانده نگشتی

مَعَادُ اللَّهِ أَنْ تَكُونَ كَذَلِكَ بَلْ إِذْ ظَلِمْتَ

پناه به خدا از اینکه چنین باشی، بلکه زمانی که مورد ستم واقع شدی

اِحْتَسَبْتَ رَبَّكَ وَ فَوَّضْتَ إِلَيْهِ أَمْرَكَ

به حساب پروردگارت گذاشتی و کارت را به او واگذار کردی

وَ ذَكَرْتَهُمْ فَمَا ادَّكَّرُوا وَ وَعَظْتَهُمْ فَمَا اتَّعَطُوا

و ستمکاران را پند دادی ولی نپذیرفتند و اندرز دادی ولی قبول نکردند

وَ خَوَّفْتَهُمُ اللَّهَ فَمَا تَخَوَّفُوا

و آنان را از خدا ترساندی ولی نترسیدند

وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ

و شهادت می دهم که تو ای امیرمؤمنان در راه خدا به حق جهاد کردی

حَتَّى دَعَاكَ اللَّهُ إِلَى جِوَارِهِ

تا اینکه خدا تو را بجوارش فرا خواند

و قَبْضَكَ إِلَيْهِ بِاخْتِيَارِهِ

و به اختیارش تو را به جانب خود قبض روح کرد

و أَلْزَمَ أَعْدَاءَكَ الْحُجَّةَ بِقَتْلِهِمْ إِيَّاكَ

و حجت را بر دشمنانت ختم کرد، با به قتل رساندن تو را

لِتَكُونَ الْحُجَّةُ لَكَ عَلَيْهِمْ مَعَ مَا لَكَ مِنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَةِ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ

تا حجت به سود تو و زیان باشد همراه با آنچه برای تو بود از حجت های
رسا بر همه خلق.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصًا

سلام بر تو ای امیر مؤمنان، خدا را خالصانه عبادت کردی

و جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ صَابِرًا وَ جُدْتَ بِنَفْسِكَ مُحْتَسِبًا

و صابرانه در راه خدا جهاد نمودی و به حساب خدا جانبازی کردی

و عَمِلْتَ بِكِتَابِهِ وَ اتَّبَعْتَ سُنَّةَ نَبِيِّهِ

و به کتابش عمل نمودی و روش پیامبرش را پیروی کردی

وَ أَقَمْتَ الصَّلَاةَ وَ آتَيْتَ الزَّكَاةَ

و نماز را بپا داشتی و زکات را پرداختی

وَ أَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ وَ نَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ

و به معروف امر کردی، و تا توانستی از منکر نهی نمودی

مَا اسْتَطَعْتَ مُبْتَغِيًا مَا عِنْدَ اللَّهِ رَاغِبًا فِيمَا وَعَدَ اللَّهُ

طالب بودی آنچه را نزد خداست، راغب بودی در آنچه خدا وعده داد

لَا تَحْفَلُ بِالنَّوَائِبِ وَ لَا تَهِنُ عِنْدَ الشَّدَائِدِ

کاسه صبرت از پیشامدها لبریز نشد و هنگام سختی ها سست نگشتی

وَ لَا تَحْجُمُ عَنْ مُحَارِبِ

از مقابل هیچ جنگجویی بازنگشتی

أَفْكَ مَنْ نَسَبَ غَيْرَ ذَلِكَ إِلَيْكَ وَ افْتَرَى بَاطِلًا عَلَيْكَ

آن که غیر این امور را به تو نسبت داد تهمت زد و به باطل دروغ بر تو بست

وَ أَوْلَى لِمَنْ عِنْدَ عَنكَ

و مرگ بر کسی که با اصرار بر مخالفت با تو از تو روی گرداند

لَقَدْ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ الْجِهَادِ

به راستی در راه خدا به حق جهاد کردی

وَ صَبَرْتَ عَلَى الْأَدَى صَبْرًا احْتِسَابًا

و بر آزار مردم به نیکی صبر کردی صبری به حساب خدا

وَ أَنْتَ أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ صَلَّى لَهُ

تویی اول کسی که به خدا ایمان آوردی و برای او نماز خواندی

وَ جَاهَدَ وَ أَبَدَى صَفْحَتَهُ فِي دَارِ الشَّرْكِ

و جهاد کردی و خود را در خانه شرک برای حق آشکار نمودی

وَ الْأَرْضُ مَشْحُونَةٌ ضَلَالَةً

در حالی که زمین انباشته به گمراهی بود

وَ الشَّيْطَانُ يُعْبَدُ جَهْرَةً

و شیطان آشکارا عبادت می شد

وَ أَنْتَ الْقَائِلُ

و تویی گوینده این سخن:

لَا تَزِيدُنِي كَثْرَةَ النَّاسِ حَوْلِي عِزَّةً وَ لَا تَفَرِّقُهُمْ عَنِّي وَ حَسْبَهُ

کثرت مردم در پیرامونم عزتی به من نیفزاید و پراکنده شدن شان ترسی به

من اضافه نکند

وَ لَوْ أَسْلَمَنِي النَّاسُ جَمِيعًا لَمْ أَكُنْ مُتَضَرِّعًا

و اگر همه مردم از من دست بردارند، نالان نشوم

اعْتَصَمْتُ بِاللَّهِ فَعَزَّزْتُ

پناهنده به خدا شدم و عزت یافتی

وَ آتَرْتُ الْآخِرَةَ عَلَى الْأُولَى فَرَهَدْتُ

و آخرت را بر دنیا برگزیدی و پارسا گشتی

وَ أَيْدِكَ اللَّهُ وَ هَدَاكَ وَ أَخْلَصَكَ وَ اجْتَبَاكَ

خدا تائیدت نمود و راهنمایی فرمود و در گردونه خلوص قرار داد و تو را برگزید

فَمَا تَنَاقَضَتْ أفعالِكَ وَ لَا اخْتَلَفَتْ أقْوَالِكَ

کردارهایت ضد و نقیض نشد و گفتارهایت اختلاف نیافت

وَ لَا تَقَلَّبَتْ أَحْوَالِكَ وَ لَا ادَّعَيْتَ وَ لَا افْتَرَيْتَ عَلَى اللَّهِ كَذِباً

و حالاتت زیر و رو نگشت و ادعای بیهوده نکردی و بر خدا دروغ نبستی

وَ لَا شَرِهْتَ إِلَى الْخُطَامِ وَ لَا دَنَسْتَ الْأَثَامَ

و به متاع اندک دنیا طمع نورزیدی و گناهان تو را آلوده نساخت

وَ لَمْ تَزَلْ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكَ

همواره امورت بر پایه برهانی از سوی پروردگارت بود

وَ يَقِينٍ مِنْ أَمْرِكَ تَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

در کارت بر یقین بودی و به سوی حق و راه مستقیم هدایت می نمودی

أَشْهَدُ شَهَادَةً حَقًّا وَ أَقْسِمُ بِاللَّهِ قَسَمَ صِدْقٍ

شهادت می دهم شهادت حق و سوگند می خورم سوگند صدق

أَنَّ مُحَمَّدًا وَ آلَهُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ سَادَاتُ الْخَلْقِ

که محمد و خاندانش (درود خدا بر آنان باد) سروران خلقند

وَ أَنْكَ مَوْلَايَ وَ مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ

و اینکه تو مولای من و مولای همه مؤمنانی

وَ أَنْكَ عَبْدُ اللَّهِ وَ وَليُّهُ وَ أَخُو الرَّسُولِ وَ وَصِيُّهُ وَ وَارِثُهُ

و تو بنده خدا و ولی او و برادر جانشین و وارث او هستی

وَ أَنَّهُ الْقَائِلُ لَكَ

و او گوینده این سخن به حضرت توست:

وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ

سوگند به کسی که مرا به حق برانگیخت

مَا آمَنَ بِِي مَنْ كَفَرَ بِكَ

به من ایمان نیاورد آن که به تو کافر شد

وَ لَا أَقْرَبُ بِاللَّهِ مَنْ جَحَدَكَ

و به خدا اقرار ننمود آن که به انکار تو برخاست

وَ قَدْ ضَلَّ مَنْ صَدَّ عَنْكَ

گمراه شد کسی که مردم را از تو باز داشت

وَ لَمْ يَهْتَدِ إِلَى اللَّهِ وَ لَا إِلَيَّ مَنْ لَا يَهْتَدِي بِكَ

و به سوی خدا و به جانب من راه نیافت

وَ هُوَ قَوْلُ رَبِّي عَزَّ وَ جَلَّ

و این گفتار پروردگار عزوجل من است:

وَ إِنِّي لَعَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا

و من آمرزنده ام آن کس را که توبه کرد و ایمان آورد و عمل شایسته انجام داد

ثُمَّ اهْتَدَىٰ إِلَىٰ وِلَايَتِكَ

سپس به سوی ولایت تو راه یابد.

مَوْلَايَ فَضْلِكَ لَا يَخْفَىٰ وَ نُورِكَ لَا يُطْفَأُ [لَا يُطْفَىٰ]

مولای من فضل تو مخفی نمی ماند و نورت خاموش نگردد

وَ أَنَّ مَنْ جَحَدَكَ الظُّلُومُ الْأَشْقَىٰ

و آن که تو را انکار کند ستمکار و بدبخت است

مَوْلَايَ أَنْتَ الْحُجَّةُ عَلَى الْعِبَادِ وَ الْهَادِي إِلَى الرَّشَادِ وَ الْعُدَّةُ لِلْمَعَادِ

مولای من تو حجت بر بندگانی و راهنمای به سوی راه راستی و ذخیره روز معادی

مَوْلَايَ لَقَدْ رَفَعَ اللَّهُ فِي الْأُولَىٰ مَنزِلَتَكَ

مولای من خدا مقامت را در دنیا بلند کرد

وَ أَعْلَىٰ فِي الْآخِرَةِ دَرَجَتَكَ

و درجه ات را در آخرت والا گردانید

وَ بَصَرَكَ مَا عَمِيَ عَلَىٰ مَنْ خَالَفَكَ

و بینایت نمود به آنچه بر کسی که با تو مخالفت کرد پوشیده ماند

وَ حَالَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ مَوَاهِبِ اللَّهِ لَكَ

و بین تو و موهبت های خدا حجاب شد

فَلَعَنَ اللَّهُ مُسْتَجَلِي الْحُرْمَةِ مِنْكَ وَ ذَائِدِي الْحَقِّ عَنْكَ

لعنت خدا بر حلال شمارندگان حرمتت و دفع کنندگان حقت

وَ أَشْهَدُ أَنَّهُمُ الْأَخْسَرُونَ الَّذِينَ تَلْفَحُ وُجُوهُهُمْ النَّارُ

و شهادت می دهم که آنان از زیانکارترین مردمی هستند که آتش چهره آنان را می سوزاند

وَ هُمْ فِيهَا كَالْحُونَ

و در میان دوزخ زشت و عبوس هستند

وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ مَا أَقْدَمْتَ وَ لَا أَحْجَمْتَ

و شهادت می دهم که اقدام نکردی و قدم به عقب نگذاشتی

وَ لَا نَطَقْتَ وَ لَا أَمْسَكْتَ إِلَّا بِأَمْرِ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ

و سخن نگفیتی و باز نایستادی مگر به فرمان خدا و رسولش.

قُلْتُ وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَقَدْ نَظَرَ إِلَيَّ

خود فرمودی: سوگند به آن که جانم در دست اوست به من نظر کرد

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَضْرِبُ بِالسَّيْفِ قَدَمَا

رسول خدا (ص) در حالی که پیشقدمانه شمشیر می زدم

فَقَالَ يَا عَلِيُّ أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى

ایشان به من فرمود: ای علی تو نسبت به من به منزله هارونی نسبت به موسی

إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي

جز اینکه بعد از من پیغمبری نیست

وَأَعْلَمُكَ أَنَّ مَوْتَكَ وَحَيَاتَكَ مَعِي وَ عَلَى سُنَّتِي

و من تو را خبر می دهم که مرگ و زندگی تو با من و براساس راه و رسم من است

فَوَاللَّهِ مَا كَذِبْتُ وَلَا كُذِّبْتُ

به خدا سوگند دروغ نگفتم و به من دروغ گفته نشد

وَلَا ضَلَلْتُ وَلَا ضَلَّ بِي

و گمراه نشدم و کسی به وسیله من گمراه نشده

وَلَا نَسِيتُ مَا عَاهَدَ إِلَيَّ رَبِّي

و آنچه را پروردگارم با من عهد کرده فراموش نکردم

وَإِنِّي لَعَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي بَيِّنَهَا لِنَبِيِّهِ

من بر برهانی از سوی پروردگارم هستم که برای پیامبرش بیان نموده

وَ بَيِّنَهَا النَّبِيُّ لِي

و پیامبر نیز برای من بیان داشته است

وَإِنِّي لَعَلَى الطَّرِيقِ الواضِحِ الْفِظُهُ لَفُظًا

و من به راستی بر راه روشن هستم که آن را صریح می گویم با صراحت تمام

صَدَقْتُ وَاللَّهِ وَ قُلْتُ الْحَقَّ

ای امیر مؤمنان به خدا سوگند راست گفتمی و حق گفتمی.

فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ سَاوَأَكَ بِمَنْ نَاوَأَكَ

پس خدا لعنت کند کسی را که تو را با آن که با تو دشمنی کرد برابر قرار داد

وَاللَّهُ جَلَّ اسْمُهُ يَقُولُ:

در حالی که خدا می فرماید:

«هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ»

«آیا کسانی که می دانند با کسانی که نمی دانند برابرند؟»

فَلَعَنَ اللَّهُ مَنَ عَدَلَ بِكَ مَنَ فَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ وِلايَتَكَ

پس خدا لعنت کند کسی را که مساوی تو قرار داد، آن کس را که خدا ولایتت را بر او واجب کرد

وَ أَنْتَ وَليُّ اللَّهِ وَ أَخُو رَسُولِهِ وَ الذَّابُّ عَنِ دِينِهِ

و حال اینکه تو ولی خدایی و برادر رسول خدایی و دفاع کننده از دین خدایی

وَ الَّذِي نَطَقَ الْقُرْآنُ بِتَفْضِيلِهِ

و کسی هستی که قرآن به برتری اش گویاست

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى

خدای تعالی فرمود:

«وَ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا

«خدا جهادکنندگان را بر نشستگان برتری داد به اجری بزرگ

دَرَجَاتٍ مِنْهُ وَ مَغْفِرَةً وَ رَحْمَةً وَ كَانَ اللَّهُ عَفُورًا رَحِيمًا»

درجات و مغفرت و رحمت از جانب او برای جهادکنندگان است و خدا همواره آمرزنده و مهربان است»

وَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

و خدای تعالی فرمود:

«أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَ عِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ

آیا آب دهی به حاجیان و آب دادن در مسجد الحرام را قرار داده اید

كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ جَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ

همانند آن کس که به خدا و روز جزا ایمان آورده، و در راه خدا جهاد کرده است؟

لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ»

«هرگز پیش خدا برابر نیستند، خدا گروه ستمکاران را هدایت نمی کند»

الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ

آنان که ایمان آورده اند و هجرت کردند و در راه خدا با اموال و جان هایشان جهاد کردند

أَعْظَمُ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَ أَوْلَيْكَ هُمْ الْفَائِزُونَ

از جهت مقام به نزد خدا برترند و ایشان رستگارانند

يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَ رِضْوَانٍ

نویدشان می دهد پروردگارشان به رحمتی از جانب خود و خشنودی

وَ جَنَّاتٍ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ

و بهشت هایی که در آنها نعمت پایدار برای آنان باشد

خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ

در آن بهشت ها جاودانند، به راستی که نزد خدا پاداشی بزرگ است»

أَشْهَدُ أَنَّكَ الْمَخْصُوصُ بِمِدْحَةِ اللَّهِ

شهادت می دهم که تو به ستایش خدا مخصوص گشته ای

الْمُخْلِصُ لِطَاعَةِ اللَّهِ لَمْ تَبْغِ بِالْهُدَى بَدَلًا

و مخلص در طاعت خدایی، برای هدایت جایگزینی نجستی

وَ لَمْ تُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّكَ أَحَدًا

و در بندگی پروردگارت احدی را شریک نساختی

وَ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى اسْتَجَابَ لِنبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فِيكَ دَعْوَتُهُ

و خدای تعالی دعای پیامبرش (ص) را در حق تو اجابت کرد

ثُمَّ أَمَرَهُ بِإِظْهَارِ مَا أَوْلَاكَ لِأُمَّتِهِ إِعْلَاءً لِشَأْنِكَ

سپس اظهار آنچه تو را سزاوار حکومت بر ملتش کرده بود به او فرمان داد،

برای بالا بردن شأنت

وَ إِعْلَانًا لِإِثْرَانِكَ وَ دَحْضًا لِلْأَبْطِيلِ وَ قَطْعًا لِلْمَعَاذِيرِ

و علنی ساختن برهانت و دفع باطلها و بریدن بهانه ها

فَلَمَّا أَشْفَقَ مِنْ فِتْنَةِ الْفَاسِقِينَ وَ اتَّقَىٰ فِيكَ الْمُنَافِقِينَ

پس زمانی که از آشوب اهل فسق بیمناک شد و درباره تو در برابر منافقان
محافظه کاری کرد

أَوْحَىٰ إِلَيْهِ رَبُّ الْعَالَمِينَ:

پروردگار جهانیان به او وحی کرد:

«يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ

ای رسول! آنچه از پروردگارت به تو نازل شده به مردم برسان

وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَ اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ»

اگر انجام ندهی پیام خدا را نرسانده ای، خدا تو را از مردم حفظ می کند»

فَوَضَعَ عَلَىٰ نَفْسِهِ أُوزَارَ الْمَسِيرِ

پس او بارهای سنگین سفر را بر دوش جان نهاد

وَ نَهَضَ فِي رَمَضَاءِ الْهَجِيرِ

و در حرارت شدید نیمه روز برخاست

فَخَطَبَ وَ أَسْمَعَ وَ نَادَىٰ فَأَبْلَغَ

سخنرانی کرد و شنواند، و فریاد زد

ثُمَّ سَأَلَهُمْ أَجْمَعُ فَقَالَ هَلْ بَلَّغْتُ

پس پیام حق را رساند، سپس از همه آنها پرسید: آیا رساندم؟

فَقَالُوا اللَّهُمَّ بَلَىٰ فَقَالَ اللَّهُمَّ اشْهَدْ

گفتند: به خدا قسم آری. فرمود: خدایا شاهد باش.

ثُمَّ قَالَ أَلَسْتُ أُولَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ

سپس به مردم خطاب کرد: آیا من آن نیستم که به مؤمنان از خود آنان سزاوارترم؟

فَقَالُوا بَلَىٰ فَاخَذَ بِيَدِكَ وَ قَالَ:

گفتند: آری، پس دست تو را گرفت و فرمود:

«مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ»

«هر که را که من مولای اویم، پس این علی مولای اوست

اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ

خدایا دوست بدار هر که او را دوست دارد و دشمن بدار هر که او را دشمن دارد

وَ أَنْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخْذُلْ مَنْ خَدَلَهُ»

و یاری کن کسی را که یاری اش کند، و خوار کن هرکه خوارش سازد»

فَمَا آمَنَ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيكَ عَلَى نَبِيِّهِ إِلَّا قَلِيلٌ

پس به آنچه خدا درباره تو بر پیامبرش نازل کرد، ایمان نیاورد جز عده ای اندک

وَ لَا زَادَ أَكْثَرَهُمْ غَيْرَ تَحْسِيرٍ

و اکثرشان را نیفزود جز زیانکاری

وَ لَقَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى فِيكَ مِنْ قَبْلُ وَ هُمْ كَارِهُونَ:

پیش از آن نیز خدا در حق تو این آیه را نازل کرد درحالی که آنان دوست نداشتند:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ

ای کسانی که ایمان آورده اید، هرکه از شما از دینش برگردد

فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَ يُحِبُّونَهُ

خدا به زودی قومی را بیاورد که آنها را دوست دارد و آنها هم خدا را دوست دارند

أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ عَلَى الْكَافِرِينَ

بر مؤمنان نرمند، و بر کافران سخت

يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ لَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ

در راه خدا جهاد کنند، از سرزنش سرزنش کنندگان نمی ترسند

ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ.

این است فضل خدا، به هر که بخواهد عنایت می کند، خدا گسترنده و دانا است.

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا

جز این نیست که شما ولی خدا و رسول او و همه آنانی هستید که ایمان آورند

الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَ هُمْ رَاكِعُونَ

و آنانی که نماز را بر پا می دارند و زکات می دهند، در حالی که رکوع کننده اند

وَ مَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ الَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ

و هرکه با خدا و رسولش و کسانی که ایمان آوردند دوستی کند، پس حزب

خدا حزب پیروز است

رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَ اتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ

پروردگارا به آنچه نازل کردی ایمان آوردیم و از پیامبر پیروی نمودیم، پس ما

را با گواهان بنویس.

رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا

پروردگارا دل های ما را پس از آنکه هدایت مان کردی منحرف مساز

وَ هَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ»

و به ما از نزد خود رحمتی ببخش، که تو بسیار بخشنده ای

اللَّهُمَّ إِنَّا نَعْلَمُ أَنَّ هَذَا هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ

خدایا ما می دانیم که این گفتار از نزد تو حق است

فَالْعَنْ مَنْ عَارَضَهُ وَ اسْتَكْبَرَ وَ كَذَّبَ بِهِ

پس لعنت کن کسی را که با آن معارضه کرد و به آن کبر ورزید و آن را تکذیب کرد

وَ كَفَرَ وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ.

و کافر شد و زود است بدانند کسانی که ستم کردند به چه بازگشتگاهی برگردند.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ سَيِّدَ الْوَصِيِّينَ

سلام بر تو ای امیر مؤمنان و سرور جانشینان

وَ أَوْلَ الْعَابِدِينَ وَ أَزْهَدَ الرَّاهِدِينَ

و رأس عبادت کنندگان و پارساترین پارسایان

و رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ وَ صَلَوَاتُهُ وَ تَحِيَّاتُهُ

و رحمت خدا و برکات و درودها و تحیاتش بر تو باد

أَنْتَ مُطْعِمُ الطَّعَامِ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِيناً وَ يَتِيماً وَ أَسِيراً لَوْجِهِ اللَّهِ

تویی خوراننده طعام در حال دوست داشتن آن، به درمانده و یتیم و اسیر تنها به خاطر خشنودی خدا

لَا تُرِيدُ مِنْهُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكُوراً وَ فِيكَ أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى:

که از آنها پاداش و سپاسی نمی خواستی و خدای تعالی در حق تو چنین گفت:

«وَ يُؤْتِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ

دیگران را بر خود ترجیح می دهند، گرچه خود تهیدست باشند

وَ مَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ»

هر که از بخل وجودش محفوظ ماند پس آنانند از رستگاران»

وَ أَنْتَ الْكَاطِمُ لَلْغَيْظِ وَ الْعَافِي عَنِ النَّاسِ وَ اللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ

تویی فروبرنده خشم و گذشت کننده از مردم و خدا نیکوکاران را دوست دارد

وَ أَنْتَ الصَّابِرُ فِي الْبَأْسَاءِ وَ الضَّرَّاءِ وَ حِينَ الْبَأْسِ

و تویی صبرکننده در تنگدستی و پریشان حالی و به هنگام جنگ

وَ أَنْتَ الْقَاسِمُ بِالسُّوِيَّةِ وَ الْعَادِلُ فِي الرِّعْيَةِ وَ الْعَالِمُ بِحُدُودِ اللَّهِ

تویی بخش کننده به برابری و دادگر در میان ملت و آگاه به مقررات خدا

مِنْ جَمِيعِ الْبَرِيَّةِ وَ اللَّهُ تَعَالَى أَخْبَرَ عَمَّا أَوْلَاكَ مِنْ فَضْلِهِ بِقَوْلِهِ:

از میان همه انسانها، خدای تعالی خبر داد از آنچه سزاوار کرده تو را از فضلش به گفته اش:

«أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِناً كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ

آیا کسی که مؤمن است همانند کسی است که فاسق است؟ هرگز برابر نیستند.

أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

اما کسانی که ایمان آورده اند و کار شایسته کردند

فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَى نُزُلًا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»

برای آنها بهشت های خویش جایگاه جهت پذیرایی به پاداش آنچه انجام دادند

وَ أَنْتَ الْمَخْصُوصُ بِعِلْمِ التَّنْزِيلِ وَ حُكْمِ التَّأْوِيلِ

و تویی اختصاص یافته به علم قرآن و حکم تأویل

وَ نَصِّ الرَّسُولِ وَ لَكَ الْمَوَاقِفُ الْمَشْهُودَةُ

و صریح گفتار پیامبر و تو راست موقعیت های گواهی شده

وَ الْمَقَامَاتُ الْمَشْهُورَةُ وَ الْأَيَّامُ الْمَذْكُورَةُ يَوْمَ بَدْرٍ وَ يَوْمَ الْأَحْزَابِ

و مقامات مشهور و روزهای یاد شده، روز بدر و روز احزاب

إِذْ رَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَ بَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ

آن زمان که چشمها منحرف و جانها به گلوها رسید

وَ تَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَا هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ

و به خدا گمان می بردید، گمان های گوناگون، در آنجا اهل ایمان آزمایش شدند

وَ زُلْزِلُوا زَلْزَالًا شَدِيدًا

و دچار زلزله روحی گشتند تزلزل سخت.

وَ إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ

آن هنگام اهل نفاق و آنان که در دل هایشان بیماری بود گفتند:

مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ إِلَّا عُرُورًا.

خدا و رسولش جز فریب به ما وعده ندادند.

وَ إِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ

و در آن زمان گروهی از آنان گفتند: ای اهل مدینه جایی برای شما نیست

فَارْجِعُوا وَ يَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِنْهُمْ النَّبِيَّ يَقُولُونَ

بازگردید و جمعی از آنان از پیامبر اجازه می خواستند می گفتند:

إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَ مَا هِيَ بِعَوْرَةٍ

خانه های ما باز و بی حفاظ است و حال آن که بی حفاظ نبود

إِنْ يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا

آنان جز فرار از جنگ قصدی نداشتند

وَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى وَ لَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا

و خدای تعالی فرمود: همین که اهل ایمان دسته های کفر و شرک را دیدند گفتند:

هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ صَدَقَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ

این همان است که خدا و رسولش به ما وعده داد، خدا و رسولش راست گفتند

وَ مَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَ تَسْلِيمًا

و آنان را نيفزود مگر ایمان و تسلیم

فَقَتَلَتْ عَمْرَهُمْ وَ هَزَمَتْ جَمْعَهُمْ

پس عمرو قهرمان آنها را کشتی و جمع آنان را فراری دادی

وَ رَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَيْظِهِمْ

و خدا آنان را که کافر بودند با خشمشان بازگرداند

لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا وَ كَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ

در حالی که به غنیمتی دست نیافتند و خدا جنگ را از اهل ایمان کفایت کرد

وَ كَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزًا

و خدا نیرومند و عزیز است

وَ يَوْمَ أَحَدٌ إِذٍ يُضْعِدُونَ وَ لَا يَلُؤُونَ عَلَى أَحَدٍ

و روز احد هنگامی که از اطراف پیامبر فرار می کردند و به احدی اعتنا نمی نمودند

وَ الرَّسُولُ يَدْعُوهُمْ فِي أُخْرَاهُمْ

و پیامبر آنان را از پشت سرشان به کارزار دعوت می کرد

وَ أَنْتَ تَدُودُ بِهِمُ الْمُشْرِكِينَ عَنِ النَّبِيِّ ذَاتِ الْيَمِينِ وَ ذَاتِ الشَّمَالِ

و تو بودی که مشرکان را برای حفظ پیامبر به راست و چپ دفع می کردی

حَتَّىٰ رَدَّهُمُ اللَّهُ تَعَالَىٰ عَنْكُمَا خَائِفِينَ

تا خدا گزند آنان را در حالی که ترسان بودند از شما دو بزرگوار برگرداند

وَ نَصَرَ بِكَ الْخَادِلِينَ

و شکست خوردگان را به وسیله تو یاری کرد

وَ يَوْمَ حُنَيْنٍ عَلَىٰ مَا نَطَقَ بِهِ التَّنْزِيلُ:

و روز حنین، بنابر آنچه قرآن در این آیه به آن گویا شد:

«إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا

«زمانی که نفرات زیاد شما باعث شگفتی شما شد، ولی شما را به هیچ وجه بی نیاز نکرد

وَ ضَاقَتْ عَلَيْكُمْ الْأَرْضُ بِمَا رَحَبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُمْ مُدْبِرِينَ

و زمین با آن فراخی اش بر شما تنگ شد، سپس روی گردانده فرار کردید.

ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ وَ عَلَىٰ الْمُؤْمِنِينَ»

آن گاه خدا آرامش خود را بر رسولش و بر مؤمنان نازل فرمود»

وَ الْمُؤْمِنُونَ أَنْتَ وَ مَنْ يَلِيكَ وَ عَمَّكَ الْعَبَّاسُ يُنَادِي الْمُنْهَرِمِينَ:

«مؤمنان» تو بودی و همراهانت، و عمویت عباس شکست خوردگان را صدا می زد:

يَا أَصْحَابِ سُورَةِ الْبَقَرَةِ يَا أَهْلَ بَيْتِ الشَّجَرَةِ حَتَّىٰ اسْتَجَابَ لَهُ قَوْمٌ

ای اصحاب سوره بقره، ای اهل بیت شجره، تا جماعتی به او پاسخ دادند

قَدْ كَفَيْتَهُمُ الْمَوْتَةَ وَ تَكَفَّلْتَ دُونَهُمُ الْمَعْوَةَ

که تو رنج آنها را کفایت کردی و به جای آنها کمک را عهده دار شدی

فَعَادُوا آيِسِينَ مِنَ الْمَثُوبَةِ رَاجِينَ وَعَدَّ اللَّهُ تَعَالَىٰ بِالتَّوْبَةِ

پس نومید از پاداش برگشتند و امیدوار به وعده خدای تعالی به توبه

وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ جَلَّ ذِكْرُهُ:

و این است سخن خدا که عظیم باد یادش:

«ثُمَّ يَتُوبُ اللَّهُ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ»

«آن گاه خدا توبه می پذیرد پس از آن، توبه کسی را که بخواهد»

وَ أَنْتَ حَائِزٌ دَرَجَةَ الصَّبْرِ فَائِزٌ بِعَظِيمِ الْأَجْرِ

در حالی که تو درجه صبر را به دست آوردی و به مزد بزرگ پیروز شدی

وَ يَوْمَ حَيْبَرَ إِذْ أَظْهَرَ اللَّهُ حَوْرَ الْمُنَافِقِينَ

و روز خیبر که خدا شکست منافقان را آشکار کرد

وَ قَطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

و دنباله کافران را برید و سپاس خدای را پروردگار جهانیان

«وَ لَقَدْ كَانُوا عَاهِدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلُ لَا يُؤَلُّونَ الْأُدْبَارَ

در حالی که آنها از پیش با خدا پیمان بسته بودند که فرار نکنند

وَ كَانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُولًا

و به یقین پیمان خدا مورد بازخواست است»

مَوْلَايَ أَنْتَ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ وَ الْمَحَجَّةُ الْوَاضِحَةُ

مولای من تویی حجت رسا و راه روشن

وَ النَّعْمَةُ السَّابِغَةُ وَ الْبُرْهَانُ الْمُنِيرُ

و نعمت کامل و برهان تابناک

فَهَنِيئًا لَكَ بِمَا آتَاكَ اللَّهُ مِنْ فَضْلٍ

پس گوارا باد تو را، آنچه خدا از برتری به تو داد

وَ تَبًّا لِسَائِنِكَ ذِي الْجَهْلِ شَهِدَتْ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ

و نابود باد دشمن نادانت، با پیامبر (ص)

جَمِيعِ حُرُوبِهِ وَ مَعَاذِهِ

در تمام جنگها و لشکرکشی هایش حاضر بودی

تَحْمِيلُ الرَّايَةِ أَمَامَهُ وَ تَضْرِبُ بِالسَّيْفِ قُدَّامَهُ

پیشاپیش پرچم اسلام را به دوش می کشیدی و در برابرش شمشیر می زدی

ثُمَّ لِحَزْمِكَ الْمَشْهُورِ وَ بَصِيرَتِكَ فِي الْأُمُورِ

سپس تنها برای تدبیر و کردانی مشهودت و بینایی ات در امور

أَمْرِكَ فِي الْمَوَاطِنِ وَ لَمْ يَكُنْ عَلَيْكَ أَمِيرٌ

در تمام میدانها تو را به فرماندهی می گماشت، و امیری بر تو نبود

وَ كَمْ مِنْ أَمْرِ صَدَّكَ عَنْ إِمْضَاءِ عَزْمِكَ فِيهِ التَّقَى

چه بسیار کارهایی که تقوا مانع اجرای تصمیمیت در آنها شد

وَ اتَّبَعَ غَيْرَكَ فِي مِثْلِهِ الْهَوَى

اما جز تو در مثل آن از هوای نفس پیروی کرد

فَطَنَّ الْجَاهِلُونَ أَنَّكَ عَجَزْتَ عَمَّا إِلَيْهِ انْتَهَى ضَلٌّ

پس نادانان گمان کردند که تو از آنچه او به آن رسید عاجز شدی

وَ اللَّهُ الظَّانُّ لِدَلِّكَ وَ مَا اهْتَدَى

به خدا قسم گمان کننده این چنین گمراه شد و را نیافت

وَ لَقَدْ أَوْضَحْتَ مَا أَشْكَلَ مِنْ ذَلِكَ

و تو واضح ساختی آنچه مشکل شده بود از این امور

لِمَنْ تَوَهَّمَهُ وَ امْتَرَى بِقَوْلِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ:

برای آن که توهم و تردید کرد به گفتارت، درود خدا بر تو که فرمودی:

«قَدْ يَرَى الْحَوْلُ الْقَلْبُ وَجْهَ الْحِيلَةِ

گاهی انسان زبردست و چیره روی چاره را می بیند

وَ دُونَهَا حَاجِزٌ مِنْ تَقْوَى اللَّهِ

ولی در برابرش پرده ای از تقوای خداست

فَيَدْعُهَا رَأْيَ الْعَيْنِ وَ يَنْتَهَرُ فُرْصَتَهَا مَنْ لَا حَرِيحَةَ [جَرِيحَةً] لَهُ فِي الدِّينِ»

در نتیجه روی چاره را آشکارها می کند ولی فرصت آن را غنیمت می داند

کسی در امر باکی ندارد

صَدَقْتَ وَ اللَّهُ وَ خَسِرَ الْمُبْطِلُونَ

به خدا سوگند راست گفתי و یاوه سرایان دچار زیان شدند

وَ إِذْ مَاكَرَكَ النَّاكِثَانِ فَقَالَا نُرِيدُ الْعُمْرَةَ

هنگامی که آن دو عهدشکن [طلحه و زبیر] با تو به فریبکاری برخاستند و گفتند قصد عمره داریم

فَقُلْتُ لَهُمَا: «لَعَمْرُكُمَا مَا تُرِيدَانِ الْعُمْرَةَ لَكِنْ تُرِيدَانِ الْغَدْرَةَ»

به آنان گفתי: به جان خودتان قسم: قصد عمره ندارید بلکه قصد خیانت دارید

فَأَخَذَتِ الْبَيْعَةَ عَلَيْهِمَا وَ جَدَّتِ الْمِيثَاقَ

در نتیجه از آن دو نفر بیعت گرفتی و پیمان را محکم کردی

فَجَدَا فِي النِّفَاقِ فَلَمَّا نَبَّهْتَهُمَا عَلَىٰ فِعْلِهِمَا أَغْفَلَا

پس در نفاق کوشیدند، زمانی که بر کار نادرستشان آگاهشان کردی بی توجهی کردند

وَ عَادَا وَ مَا انْتَفَعَا وَ كَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِهِمَا خُسْرًا

و به کار خویش بازگشتند، ولی بهره مند نشدند و سرانجام کار هر دو خسران شد

ثُمَّ تَلَاهُمَا أَهْلُ الشَّامِ

سپس اهل شام خیانت آن دو را دنبال کردند

فَسِرَّتْ إِلَيْهِمْ بَعْدَ الإِعْذَارِ وَ هُمْ لَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ

و تو پس از بستن راه غدر بر آنان به سویشان حرکت کردی ولی آنها به دین حق گردن ننهادند.

وَ لَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ هَمَجٌ رَعَاعٌ ضَالُّونَ

و در قرآن تدبر ننمودند، بی خردان پست و گمراهان ناجوانمرد

وَ بِالَّذِي أَنْزَلَ عَلَىٰ مُحَمَّدٍ فِيكَ كَافِرُونَ وَ لِأَهْلِ الْخِلَافِ عَلَيْكَ نَاصِرُونَ

و به آنچه در حق تو بر محمد نازل شده بود کافرند و یاوران مخالف تو

وَ قَدْ أَمَرَ اللَّهُ تَعَالَىٰ بِاتِّبَاعِكَ

در حالی که خدا به پیروی از تو امر کرد

وَ نَدَبَ الْمُؤْمِنِينَ إِلَىٰ نَصْرِكَ وَ قَالَ عَزَّ وَ جَلَّ:

و مؤمنان را به یاری تو فرا خواند و فرمود خدای عزوجل:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ»

«ای کسانی که ایمان آورده اید خدا را پروا کنید، و با راستگویان باشید»

مَوْلَايَ بِكَ ظَهَرَ الْحَقُّ وَ قَدْ نَبَذَهُ الْخَلْقُ

مولای من حق بر تو نمایان شد، درحالی که مردم آن را به یک سو انداختند

وَ أَوْضَحَّتِ الشُّنَنَ بَعْدَ الدَّرُوسِ

و تو روشهای دینی را پس از کهنگی و نابودی آشکار ساختی

وَ الطَّمْسِ فَلَكَ سَابِقَةُ الْجِهَادِ عَلَىٰ تَصْدِيقِ التَّنْزِيلِ

تو راست پیشینه جهاد بر پایه تصدیق به قرآن

وَ لَكَ فَضِيلَةُ الْجِهَادِ عَلَىٰ تَحْقِيقِ التَّأْوِيلِ

و تو راست فضیلت جهاد بر پایه تحقق تأویل

وَ عَدُوَّكَ عَدُوُّ اللَّهِ جَاوِدٌ لِرَسُولِ اللَّهِ

و دشمن تو دشمن خدا و انکارکننده رسول خدا است

يَدْعُو بَاطِلًا وَ يَحْكُمُ جَائِرًا

دعوت می کند دعوت باطل، حکومت می کند به ستم

وَ يَتَأَمَّرُ غَاصِبًا وَ يَدْعُو جِرْبَهُ إِلَىٰ النَّارِ

فرمان می دهد غاصبانه، دار و دسته اش را به دوزخ می خواند

وَ عَمَّارٌ يُجَاهِدُ وَ يُنَادِي بَيْنَ الصَّفِّينِ

در حالی که عمار جهاد می کرد و میان دو لشکر فریاد می زد:

الرَّوَّاحَ الرَّوَّاحَ إِلَىٰ الْجَنَّةِ

کوچ کنید، کوچ کنید به سوی بهشت

وَلَمَّا اسْتَسْقَى فُسْقِيَ اللَّبْنَ كَبَّرَ وَ قَالَ

و زمانی که آب خواست، با شیر سیراب شد و تکبیر زد و گفت:

قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ آخِرُ شَرَابِكَ مِنَ الدُّنْيَا ضِيَاخٌ مِنْ لَبْنٍ

رسول خدا (ص) به من فرمود: آخرین نوشیدنی ات از دنیا مخلوطی است از شیر

وَ تَقْتُلِكَ الْفِئَةُ الْبَاغِيَّةُ

و تو را گروه متجاوز به قتل می رساند

فَاعْتَرَضَهُ أَبُو الْعَادِيَةِ الْفَزَارِيُّ فَقَتَلَهُ

پس ابو العادیه فزاری راه را بر عمار گرفت و او را کشت

فَعَلَى أَبِي الْعَادِيَةِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَ لَعْنَةُ مَلَائِكَتِهِ وَ رُسُلِهِ أَجْمَعِينَ

بر ابو العادیه لعنت خدا و لعنت فرشتگان خدا و همه پیامبران

وَ عَلَى مَنْ سَلَّ سَيْفَهُ عَلَيْكَ وَ سَأَلَتْ سَيْفَكَ عَلَيْهِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ

و لعنت بر کسی که شمشیر به روی تو کشید و تو به روی او شمشیر کشیدی ای امیرمؤمنان

مِنَ الْمُشْرِكِينَ وَ الْمُنَافِقِينَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ

از مشرکان و منافقان تا روز قیامت

وَ عَلَى مَنْ رَضِيَ بِمَا سَاءَكَ

و بر آن که خشنود شد به آنچه تو را غمگین ساخت

وَ لَمْ يَكْرَهُهُ وَ أَعْمَصَ عَيْنَهُ

و غم تو را ناخوش نداشت و دیده بر هم نهاد و بی تفاوت گذشت

وَ لَمْ يُنْكِرْ أَوْ أَعَانَ عَلَيْكَ بِيَدٍ أَوْ لِسَانٍ

و علت و عاملش را انکار نکرد یا علیه تو به دست و زبان کمک کرد

أَوْ قَعَدَ عَنِ نَصْرِكَ أَوْ خَذَلَ عَنِ الْجِهَادِ مَعَكَ

یا از یاری اش دست کشید یا از جهاد نمودن به همراه تو کناره گیری کرد

أَوْ غَمَطَ فَضْلَكَ وَ جَحَدَ حَقَّكَ

یا فضل تو را کوچک شمرد و حقت را انکار کرد

أَوْ عَدَلَ بِكَ مَنْ جَعَلَ اللَّهُ أُولَىٰ بِهِ مِنْ نَفْسِهِ

یا با تو برابر نمود کسی را که خدا قرار داد تو را سزاوارتر به او از خود او

وَصَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ وَ سَلَامُهُ وَ تَحِيَّاتُهُ وَ عَلَى الْأُمَّةِ مِنْ آلِكَ

الطَّاهِرِينَ

و درودهای خدا و رحمت و برکات و سلام و تحیاتش بر تو و بر امامان از
خاندان پاک تو

إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ

که خدا پسندیده صفات و با مجد و بزرگواری است

وَالْأَمْرُ الْأَعْجَبُ وَالْخُطْبُ الْأَفْطَعُ بَعْدَ جَحْدِكَ حَقَّكَ

و امر عجیبتر و حادثه ناگوارتر بعد از غصب امامت تو

غَضِبُ الصَّدِيقَةِ الطَّاهِرَةِ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةِ النِّسَاءِ فَذَكَأ

غضب فدک حضرت صدیقه طاهره سیده زنان عالم بود

وَرَدُّ شَهَادَتِكَ وَ شَهَادَةِ السَّيِّدِينَ سَلَاتِكَ

و رد کردن شهادت تو و دو سید اهل بهشت حضرت امام حسن و حضرت
امام حسین

وَ عَثْرَةَ الْمُصْطَفَى صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكُمْ

فرزندانت که عثرت پیغمبر خدا بودند درود و رحمت خدا بر شما اهل بیت
پیغمبر (ص) باد

وَ قَدْ أَعْلَى اللَّهُ تَعَالَى عَلَى الْأُمَّةِ دَرَجَتَكُمْ وَ رَفَعَ مَنْزِلَتَكُمْ

و حال آن که خدا درجه شما را بر امت برتر گرداند و منزلت شما را رفیع قرار داد

وَ أَبَانَ فَضْلَكُمْ وَ شَرَّفَكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ

و فضل و شرافت شما را بر اهل عالم آشکار کرد

فَأَذْهَبَ عَنْكُمْ الرَّجْسَ وَ طَهَّرَكُمْ تَطْهِيراً

و شما را از هر رجس و ناپاکی پاک و منزه ساخت

قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعاً

خدای عز و جل فرمود انسان طبعاً و خلقاً حریص و ناشکیباست

إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعاً

هرگاه شری به او برسد به جزع و ناله در آید

وَ إِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعاً إِلَّا الْمُصَلِّينَ

و چون به خیری نایل گردد از حرص منع احسان می‌کند مگر اهل نماز

فَاسْتَنْتَى اللَّهُ تَعَالَى نَبِيَّهُ الْمُصْطَفَى وَ أَنْتَ يَا سَيِّدَ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ جَمِيعِ الْخَلْقِ

که مراد پیغمبر برگزیده‌اش و شخص تو ای امیرمؤمنان است که از تمام خلق

تو سید اوصیاء رسولی

فَمَا أَعْمَهَ مَنْ ظَلَمَكَ عَنِ الْحَقِّ

پس چه اندازه در گمراهی سرگشته و حیران ماندند آنان که در امر امامت و

سلطنت الهیه درباره تو ستم کردند

ثُمَّ أَفْرَضُوكَ سَهْمَ ذَوِي الْقُرْبَى مَكْرَاً

آن گاه از راه مکر و خدعه سهم ذوی القربی را بر تو فرض و لازم گردانیدند

وَ أَحَادُوهُ عَنِ أَهْلِهِ جَوْرَاً

و به ظلم و جور از اهل آن فدک و حقوق ذوی القربی را منع کردند

فَلَمَّا آلَ الْأَمْرُ إِلَيْكَ أَجْرَيْتَهُمْ عَلَى مَا أُجْرِيَا رَغْبَةً عَنْهُمَا بِمَا عِنْدَ اللَّهِ لَكَ

و سپس که امر خلافت به تو بازگشت باز از آن برای رضای حق درگذشتی

فَأَشْبَهَتْ مِحْنَتَكَ بِهِمَا مِحْنَ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ

پس حال مظلومی و محنت و آلام تو به محن و آلام پیغمبران (ع) شبیه بود

عِنْدَ الْوَحْدَةِ وَ عَدَمِ الْأَنْصَارِ

در هنگامی که آنها تنها و بی‌یار و یاور بودند

وَ أَشْبَهَتْ فِي الْبَيَاتِ عَلَى الْفِرَاشِ الذَّبِيحَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

و باز حال تو در شبی که به جای پیغمبر (ص) به بستر او خفتی شبیه به حال اسماعیل ذبیح الله است

إِذْ أَجَبْتَ كَمَا أَجَابَ وَ أَطَعْتَ

چه آن که تو نیز مانند او قبول کردی و اطاعت نمودی

كَمَا أَطَاعَ إِسْمَاعِيلُ صَابِرًا مُحْتَسِبًا

به همان صورت که اسماعیل صابرا و پاداش خواهانه اطاعت کرد

إِذْ قَالَ لَهُ «يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى

که چون پدرش به او گفت «ای پسر عزیز! من در خواب مأمور به ذبح تو گردیده‌ام رأی تو در این کار چیست

قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ»

در پاسخ گفت ای پدر هر چه مأموری از جانب خدا انجام ده که مرا انشاء الله از صابران خواهی یافت»

وَ كَذَلِكَ أَنْتَ لَمَّا أَبَاتَكَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ

همچنین تو را نیز چون رسول خدا (ص) مأمور کرد که در بستر او بخوابی

وَ أَمَرَكَ أَنْ تَضْجَعَ فِي مَرْقَدِهِ وَاقِيًا لَهُ بِنَفْسِكَ

و او را با جانت از شر دشمنانش حفظ کنی

أَسْرَعْتَ إِلَى إِيَابَتِهِ مُطِيعًا وَ لِنَفْسِكَ عَلَى الْقَتْلِ مُوْطِنًا

فرمان بردارانه به پذیرش دعوتش شتافتی و خود را برای کشته شدن آماده کردی

فَشَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى طَاعَتَكَ وَ أَبَانَ عَنْ جَمِيلِ فِعْلِكَ بِقَوْلِهِ جَلَّ ذِكْرُهُ

خدا هم طاعتت را پاداش داد و کار نیکوی تو را بر امت آشکار کرد به قولش
جل ذکرة تعالى در آیه

«وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ»

«و از مردم کسی است که جانش را برای بدست آوردن خوشنودی خدا می فروشد»

ثُمَّ مِخْنُكَ يَوْمَ صِفِّينَ

باز رنج و محنتت در جنگ صفین بسیار بود

وَ قَدْ رُفِعَتِ الْمَصَاحِفُ حِيَلَهُ وَ مَكْرًا

در حالی که به مکر و حیه معاویه قرآنها را بر سر نیزه بلند کردند

فَأَعْرَضَ الشُّكُّ وَ عُرِفَ الْحَقُّ وَ اتَّبَعَ الظُّنُّ

و مردم را به شك و شبهه انداختند و آیین حق را به بازی گرفتند و گمان خود را پیروی کردند

أَشْبَهَتْ مِخْنَهُ هَارُونَ إِذْ أَمَرَهُ مُوسَى عَلَى قَوْمِهِ فَتَفَرَّقُوا عَنْهُ

آن هنگام غصه تو شبیه به هارون برادر موسی بود که او را بر امت امیر گردانید و مردم از گردش متفرق شدند

وَ هَارُونَ يُنَادِي بِهِمْ وَ يَقُولُ

و هر چه هارون آنان را ندا کرد و گفت

«يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ وَ إِنِّي رَجُومُ الرَّحْمَنِ

شما به این گوساله سامری امتحان می‌شوید پروردگار شما خدای رحمان است

فَاتَّبِعُونِي وَ أَطِيعُوا أَمْرِي.

پیرو من باشید و امر مرا اطاعت کنید.

قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَى»

قوم موسی به هارون گفتند ما بر پرستش گوساله ثابت مانیم تا موسی بسوی ما بازگردد»

وَ كَذَلِكَ أَنْتَ لَمَّا رُفِعَتِ الْمَصَاحِفُ

همچنین بود حال تو هنگامی که قرآنها را بالای نیزه کردند

قُلْتَ يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهَا وَ خُدِعْتُمْ

و تو فرمودی ای مردم این فتنه و خدعه و امتحان شماست

فَعَصَوْكَ وَ خَالَفُوا عَلَيْكَ

آنان با تو راه مخالفت پیموده و عصیان امر تو کردند

وَ اسْتَدْعَوْا نَصَبَ الْحَكَمَيْنِ فَأَبَيْتَ عَلَيْهِم

و از تو تقاضای نصب دو حاکم کردند پس تو از نصب حکمین ابا کردی

وَ تَبَرَّاتَ إِلَى اللَّهِ مِنْ فِعْلِهِمْ وَ فَوَّضْتَهُ إِلَيْهِمْ

و از فعل زشت آنها به سوی خدا بیزاری جستی و کار را به ناچار به آنها واگذاری

فَلَمَّا أَسْفَرَ الْحَقُّ وَ سَفِهَ الْمُنْكَرُ

آن گاه که حق آشکار شد و سفاهت و عمل زشتشان معلوم آمد

وَ اعْتَرَفُوا بِالزَّلَلِ وَ الْجَوْرِ عَنِ الْقَصْدِ اخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِهِ

و به خطای خود و جور و خلاف خود اعتراف کردند از آن بعد باز راه اختلاف کلمه و نفاق پیمودند

وَ أَلْزَمُوكَ عَلَى سَفِهِ التَّحْكِيمِ الَّذِي أَبَيْتَهُ وَ أَحْبَبُوهُ

و حکم سفیهانه‌ای را که از آنها تقاضا کردند و تو ابا کردی و آنان دوست داشتند

وَ حَظَرْتَهُ وَ أَبَا حُوا ذَنْبَهُمُ الَّذِي اقْتَرَفُوهُ

و تو خطا و مخاطر شمردی باز آنها گناه که خود مرتکب شدند مباح و روا شمردند

وَ أَنْتَ عَلَى نَهْجِ بَصِيرَةٍ وَ هُدًى وَ هُمْ عَلَى سُنَنِ ضَلَالَةٍ وَ عَمَى

و تو همیشه با بصیرت و طریق هدایت بودی و آنها بر طریق گمراهی و نابینایی رفتند

فَمَا زَالُوا عَلَى النِّفَاقِ مُصْرَبِينَ وَ فِي الْعَيِّ مُتَرَدِّدِينَ حَتَّى أَدَاقَهُمُ اللَّهُ وَ بَالَ أَمْرِهِمْ

و در راه ضلالت تردد می‌کردند تا آن که خدا وبال و کیفر کار زشتشان را به آنها چشانید

فَأَمَاتَ بِسَيْفِكَ مَنْ عَانَكَ فَشَقِي وَ هَوَى

تا آن که معاندان و مخالفت همه شقی و بدبخت شدند و با شمشیر تو به قعر جهنم در افتادند

وَ أَحْيَا بِحُجَّتِكَ مَنْ سَعِدَ فَهُدِي

و سعادت‌مندان اصحاب به حجت و ارشاد تو هدایت یافته و زنده جاوید گردیدند

صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ غَادِيَةً وَ رَائِحَةً وَ عَاكِفَةً وَ ذَاهِبَةً

پس درود خدا بر تو در تمام آغاز و انجام حرکات و سکانات ای

فَمَا يُحِيطُ الْمَادِحُ وَضْفَكَ

که هیچ مدح کننده‌ای به اوصاف کمالیهات احاطه نخواهد کرد

وَ لَا يُحِيطُ الطَّاعِنُ فَضْلَكَ

و طاعنان و دشمنان هم باز بمقام فضل و کمال تو محیط نتوانند گشت

أَنْتَ أَحْسَنُ الْخَلْقِ عِبَادَةً وَ أَخْلَصُهُمْ زَهَادَةً

تو از حیث عبادت و بندگی خدا بهترین خلق و از جهت زهد و تقوی

خالصترین بندگان

وَ أَدَّبُهُمْ عَنِ الدِّينِ

و از همه کس در دفع دشمنان دین سخت‌تر بودی

أَقَمْتَ حُدُودَ اللَّهِ بِجُهْدِكَ (بِجُهْدِكَ)

تویی که با مجاهده بسیار حدود و ارکان دین اسلام را استوار کردی

وَ فَلَلْتَ عَسَاكِرَ الْمَارِقِينَ بِسَيْفِكَ

و عساکر گردنکشان را به شمشیرت شکست دادی و از پا در آوردی

تُحْمِدُ لَهَبَ الْحُرُوبِ بِنَانِكَ وَ تَهْتِكُ سُتُورَ الشُّبُهَةِ بِبَيَانِكَ

و به سر پنجه قدرت آتش جنگها را خاموش ساختی و پرده شبهات را با لسان

معجز بیان بردیدی

وَ تَكْشِفُ لَبَسَ الْبَاطِلِ عَنْ صَرِيحِ الْحَقِّ لَا تَأْخُذُكَ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ

و حق صرف را از باطل محض آشکارا گردانیدی هرگز در دین خدا از ملامت

بدگویان باک نداشتی

وَ فِي مَدْحِ اللَّهِ تَعَالَى لَكَ غِنَى عَنْ مَدْحِ الْمَادِحِينَ وَ تَقْرِيبِ الْوَاصِفِينَ

و به مدح و عنایت خدای متعال خود را از مدح و توصیف خلق بی‌نیاز دانستی

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى «مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ

خدای تعالی فرمود «از مؤمنان مردانی هستند که به آنچه با خدا بر آن پیمان بسته بودند صادقانه وفا کردند

فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَى نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَ مَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا»

گروهی بر سر پیمان خود به شهادت رسیدند و جمعی از آنان انتظار می‌کشند و به هیچ روی تغییر نکردند»

وَ لَمَّا رَأَيْتَ أَنَّ قَاتِلَ النَّكِيثِينَ وَ الْقَاسِطِينَ وَ الْمَارِقِينَ

و چون که با عهدشکنان و ستمگران و مارقان به عزم جنگ و قتال برخاستی

وَ صَدَقَ وَعْدَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ وَعْدَهُ فَأُوفِيَتْ بَعْدَهُ

و صدق وعده رسول خدا (ص) را آشکارا کردی و به عهد رسول خدا وفا کردی

قُلْتَ أَمَا آَنَ أَنْ تُخْضَبَ هَذِهِ مِنْ هَذِهِ

و فرمودی آیا اینک نرسیده زمانی که محاسنم از خون سرم خضاب گردد

أَمْ مَتَى يُبْعَثُ أَشْقَاهَا

آیا کی شقی‌ترین افراد امت بر این کار مبعوث خواهد شد

وَإِثْقًا بِأَنَّكَ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكَ

و در کمال وثوق و اطمینان بودی از حجت و بینه پروردگار خود به حقانیت

وَ بَصِيرَةٍ مِنْ أَمْرِكَ

و با بصیرت و بینایی در همه کارت اقدام فرمودی

قَادِمٌ عَلَى اللَّهِ مُسْتَبَشِرٌ بِبَيْعِكَ الَّذِي بَايَعْتَهُ بِهِ

و از سفر این جهان که بر خدا وارد شدی با مبیعه خداست بسی شاد خاطر خواهی بود

وَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

و این است رستگاری و پیروزی بزرگ

اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتْلَةَ أَنْبِيَائِكَ وَ أَوْصِيَاءِ أَنْبِيَائِكَ بِجَمِيعِ لَعْنَاتِكَ

پروردگارا لعنت فرست به جمیع انواع لعن و عذاب بر قاتلان پیغمبران و اوصیاء پیغمبران خود

وَ أَضْلِهِمْ حَرَّ نَارِكَ

و آن قاتلان را به حرارت آتش دوزخت واصل ساز

وَ الْعَنْ مَنْ غَضِبَ وَلَيْكَ حَقُّهُ وَ أَنْكَرَ عَهْدَهُ وَ جَحَدَهُ

و نیز لعنت کن کسی را که حق ولی تو را غصب کرد

بَعْدَ الْيَقِينِ وَ الْإِقْرَارِ بِالْوِلَايَةِ لَهُ يَوْمَ أَكْمَلْتَ لَهُ الدِّينَ

و پس از اقرار و بعد از یقین بولایت او در روز غدیر که روز تکمیل دین حق بود باز عهد او و بیعت با او را انکار کرد

اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتْلَةَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ

پروردگارا لعنت فرست بر قاتلان امیرالمؤمنین

وَ مَنْ ظَلَمَهُ وَ أَشْيَاعَهُمْ وَ أَنْصَارَهُمْ

و بر هر که در حق او ظلم کرد و بر پیروان و انصار قاتلان هم لعنت فرست

اللَّهُمَّ الْعَنْ ظَالِمِي الْحُسَيْنِ وَ قَاتِلِيهِ وَ الْمُتَابِعِينَ عَدُوَّهُ وَ نَاصِرِيهِ

پروردگارا بر قاتلان و ظالمان و پیروان دشمنان حسین

وَ الرَّاضِينَ بِقَتْلِهِ وَ خَادِلِيهِ لَعْنًا وَبِيلاً

و بر آنان که به قتل آن حضرت خوشنود بودند و آنان که یاری او نکردند بر

همه آنان لعنت و عذاب بسیار شدید فرست

اللَّهُمَّ الْعَنْ أَوْلَ ظَالِمِ ظَلَمَ آلَ مُحَمَّدٍ

پروردگارا لعنت فرست بر اولین ظالمی که در حق آل محمد ظلم و ستم کرد

وَ مَا نَعِيهِمْ حُقُوقَهُمْ

و مانع از حق آنها گردید

اللَّهُمَّ خُصَّ أَوْلَ ظَالِمٍ وَ غَاصِبٍ لِآلِ مُحَمَّدٍ بِاللَّعْنِ

پروردگارا اولین ظالم و غاصب حق آل محمد را

وَ كُلِّ مُسْتَنٍّ بِمَا سَنَّ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ

و هر کس تا قیامت سنت او را پیروی کرد مخصوص به لعن خود بگردان

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ (وَ آلِ مُحَمَّدٍ) خَاتِمِ النَّبِيِّينَ

پروردگارا بر محمد خاتم رسولان خود

وَ عَلَى عَلِيِّ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ

و بر سید اوصیاء و امیرالمؤمنین علی علیه السلام و آل اطهار او درود و رحمت فرست

وَ اجْعَلْنَا بِهِمْ مُتَمَسِّكِينَ وَ بِوَلَايَتِهِمْ مِنَ الْفَائِزِينَ الْأَمْنِينَ

و ما را از آنان که رشته عهدشان را محکم نگهداشت و به واسطه ولایت و محبت آنها به فوز و سعادت ابد رسید و ایمن از عذاب دوزخ گردید

الَّذِينَ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ

که دیگر ابدا هیچ خوف و اندوهی در دل ندارند مقرر فرما.

تهیه شده توسط واحد افق جنبش مصاف

